

دست خالی در بزنگاه طلایی

وقتی سریال سازها از زمانه خود جا می مانند

محمد عنبرسوز

درنگ

محرم ۱۴۰۵ از بسیاری جهات، با محرم های سال های گذشته تفاوت دارد. جامعه ایرانی در حالی به استقبال این ماه رفته که هنوز درگیر پیامدهای یکی از پرتالهب ترین دوره های تاریخ معاصر خود است؛ دوره ای که با ناآرامی خیابانی، تجربه جنگ تحمیلی، بروز اضطراب عمومی، مقاومت ملی در میدان و خیابان و در نهایت ارتقای همبستگی اجتماعی به شکلی کم سابقه، در تاریخ این کشور به ثبت می رسد. در چنین شرایطی، طبیعی است که نگاه ها به تلویزیون به عنوان مهم ترین رسانه عمومی کشور دوخته شود؛ رسانه ای که همواره به مناسبت های مذهبی، به ویژه ماه محرم، تلاش می کرد با تولید آثار نمایشی ویژه، نبض فرهنگی جامعه را در دست بگیرد. این اتفاق اما محقق نشد تا یکی از بهترین فرصت ها برای تولید سریال های مناسبتی، به مثابه فرصتی از دست رفته، ناشکفته باقی بماند.

آنتن خلوت تلویزیون

امسال، دست کم تا اینجای کار، خبری از یک اتفاق مهم در عرصه سریال سازی نیست. تلویزیون در ماهی که می توانست فرصتی کم نظیر برای بازخوانی مفاهیم عاشورایی در بستر زندگی امروز را مغتنم بشمارد، تقریباً دست خالی به میدان آمده است. آنچه اکنون روی آنتن شبکه های مختلف دیده می شود، به پخش سریال تکراری «مهمان کشی» و مجموعه ای به نام «متولد آوریل» محدود می شود که مورد اخیر نه از جذابیت داستانی برخوردار است، نه از بازیگران کارکشته و مسلط بهره می برد، نه کیفیت اجرایی قابل دفاعی دارد و نه اساساً ارتباط معناداری با حال و هوای این ایام برقرار می کند. نتیجه روشن است؛ تلویزیون در یکی از مهم ترین مقاطع تقویم فرهنگی کشور، لاقال در عرصه درام و سریال سازی، حرف تازه ای برای مخاطب ندارد.

بهبانه جویی ممنوع

برخی مدافعان وضعیت کنونی رسانه ملی، وقوع جنگ و پیامدهای آن بر برنامه ریزی های کشور را توجیهی برای دست خالی تلویزیون در محرم ۱۴۰۵ می دانند. این استدلال اما، از پایه و اساس نادرست و چیزی شبیه به توجیه کم کاری است؛ به این دلیل ساده که تلویزیون و شبکه خانگی در ایام جنگ (قبل از آتش بس) دو سریال به نام های «سرو، سپید، سرخ» و «اهل ایران» ساختند. این دو مجموعه در زیر موشک و در بدترین شرایط ممکن برای تولید سریال، ساخته شدند و هم زمان به پخش هم رسیدند. بنابراین، می توان اطمینان داشت که اگر عزمی برای تولید سریال های مناسب در ماه محرم وجود داشت، قطعاً موانع به حدی نبودند که اصل کار را ناممکن کنند.

سوزه برانگیخته شده مقاومت

شاید نخستین ایده ای که به ذهن هر تحلیلگر تازه کاری در حوزه فرهنگ و هنر برسد، این باشد که محرم امسال، بیش از هر زمان دیگری، ظرفیت پرداختن به مفهوم «مقاومت» را دارد؛ مفهومی که در قلب روایت عاشورا قرار گرفته و طی ماه های اخیر نیز بار دیگر به یکی از کلیدواژه های اصلی فضای

اجتماعی ایران تبدیل شده است. اما نکته مهم اینجاست که تلویزیون برای پرداختن به چنین مفهومی، حتی لزوماً به ساخت یک سریال تاریخی هم نیاز نداشت. مخاطب ایرانی در محرم سال ۱۴۰۵، بیش از آنکه مشتاق بازسازی های پرهزینه تاریخی باشد، تشنه دیدن داستان هایی است که نشان دهند انسان معاصر چگونه می تواند در زندگی روزمره خود بر مدار ارزش های حسینی حرکت کند؛ چگونه در برابر بی عدالتی بایستد، چگونه هزینه انتخاب اخلاقی خود را با هدف آزادی از جنگال مستبدان بپردازد و چگونه میان منفعت شخصی و حقیقت، برای انتخاب دومی پایدردی کند. این همان نقطه ای است که سریال سازان ایرانی در محرم امسال، نادیده اش گرفتند و در دراماتیزه کردن آن ناکام ماندند. تا اینجای کار که چند روز از ماه محرم گذشته، رسانه ملی هنوز نتوانسته پلی میان عاشورای تاریخی و زندگی امروز مخاطب ایرانی بسازد؛ گویی همچنان تصور می شود مفاهیم مذهبی فقط در لباس تاریخ قابل روایت هستند، در حالی که موفق ترین آثار نمایشی عاشورایی در سال های گذشته، خلاف این موضوع را ثابت کرده اند.

رقیب پرحجم

مشکل اما فقط ضعف تولید نیست. محرم امسال با یک اتفاق مهم دیگر نیز هم زمان شده است؛ آغاز دیدارهای جام جهانی و افزایش طبیعی تمایل مخاطبان به تماشای مسابقات فوتبال مهم ترین رویداد فوتبالی ملی در جهان. در چنین شرایطی، رقابت برای جذب مخاطب دشوارتر از همیشه است. بیننده ای که می تواند در شبکه ۳ یا شبکه ورزش مسابقه ای جذاب و پرهیجان را دنبال کند، چرا باید زمان خود را صرف تماشای یک سریال تکراری یا مجموعه ای کم کیفیت کند که نه کشش داستانی دارد و نه شخصیت های جذاب؟ واقعیت این است که مخاطب امروز دیگر صرفاً به دلیل مناسبتی بودن یک برنامه پای تلویزیون نمی نشیند. او حق انتخاب دارد و رسانه ای موفق خواهد بود که بتواند برای



نمایی از سریال «مهمان کشی»

در مقابل، بسیاری از آثار مناسبتی سال های این حال، سازندگان سریال های مناسبتی، امسال می توانستند، به جای سریال های بلند و کش دار، به ساخت مجموعه های کوتاه و فشرده مبادرت ورزند؛ مینی سریال هایی که کمترین میزان خشوآب بستن را داشته باشند و بتوانند در چند قسمت محدود، داستانی پرکشش و مدرن را تعریف کنند، چیزی شبیه سریال نمایش خانگی سه قسمتی «دختران کوچه غم» که سال گذشته پخش شد و بازخوردهای بسیار خوبی هم گرفت. از سوی دیگر، سریال های ویژه محرم ۱۴۰۵ می توانستند به سراغ مسائل واقعی جامعه امروز بروند، از عدالت، مقاومت ملی و مسئولیت اجتماعی گرفته تا ایثار و انتخاب اخلاقی، البته نه با زبان شعار، بلکه از طریق موقعیت های دراماتیک و شخصیت های باورپذیر و عمیق. علاوه بر این، استفاده از بازیگران شناخته شده نیز ضرورتی انکارناپذیر است و در بازار شلوغ رسانه ای امروز، حضور چهره های محبوب می توانست نخستین جرقه کنجکاوی را در ذهن مخاطب ایجاد و او را به تماشای سریال های محرمی ترغیب کند.

تجربه تکرارنشدنی

سال هاست که با فرارسیدن محرم، نام برخی سریال ها دوباره بر سر زبان ها می افتد، اثری که حتی پس از گذشت دو دهه همچنان در ذهن مخاطب زنده اند. مهم ترین و موفق ترین نمونه این آثار بدون تردید «شب دهم» است. راز ماندگاری چنین مجموعه هایی را باید در یک نکته ساده جست و جو کرد؛ این آثار پیش از آنکه درباره مناسک و وقایع تاریخی باشند، درباره مفاهیم و موقعیت های انسانی بودند. «شب دهم» از عشق به عنوان دروازه ورود به مفاهیم عاشورایی استفاده کرد و سپس، آرام آرام، به جهان معنایی اثر وارد شد. سازندگان این سریال، به جای آنکه مفاهیم مذهبی را مستقیماً به مخاطب آموزش دهند، اجازه می دادند درام کار خودش را انجام دهد و «ترویج فرهنگ عاشورا» را جایگزین «روایت واقعه عاشورا» کند.

مجمع بی تفاوت ها

با همه نقدهایی که به عملکرد رسانه ملی وجود دارد، منصفانه نیست که تمام مسئولیت این وضعیت را متوجه تلویزیون بدانیم. منهای تئاتر که مخاطبان محدودتری امکان استفاده از آن را دارند، سه ضلع اصلی مثلث نمایش عمومی در ایران را تلویزیون، سینما و شبکه نمایش خانگی تشکیل می دهند. اگرچه تلویزیون عملکرد قابل دفاعی در زمینه تولید سریال برای محرم امسال نداشته، اما دوضلع دیگر عملاً از این حوزه فاصله گرفته و هیچ گامی برای این دوران مهم برنداشته اند. شبکه نمایش خانگی، به جز یکی دو مورد، در طول حدود دو دهه فعالیت خود تقریباً هیچ توجهی به تولید سریال های مناسبتی نشان نداده است. سینما نیز وضعیتی مشابه دارد. گویی پرداختن به مفاهیم عاشورایی و مناسبت های مذهبی به طور کامل به تلویزیون تفویض شده است.

شاید هنوز برای جبران دیر نشده باشد؛ اما نخستین گام، پذیرفتن یک واقعیت ساده است؛ مخاطب امروز نه به شعار نیاز دارد و نه به تکرار. او فقط یک داستان خوب می خواهد که بتواند در آن، تصویری از خودش و زمانه اش را پیدا کند.

نبض سینمای عاشورایی دیگر در مشهد نمی زند



نمایی از سریال «روایت عشق»

و جشنواره «فیلم های عاشورایی» در یزد گرفته تا جشنواره بین المللی «ربیع الشهاده»، که در شهر کرپلا برگزار می شد. دیگر خبری از آن رویداد ها نیست ولی این موضوعات را کم و بیش در برخی از جشنواره های نیز شاهد بودیم. مانند برگزاری جشنواره فیلم های دینی «رویش» در مشهد که در گستره ملی بنیان نهاده شد.

فیلم سازان این شهر به برکت مجاورت

گپ و گفت

بعد از این همه داغ، امام رضا(ع) آغوشی راگشود



نجم الدین شریعتی که این شب ها اجرای «حسینیه معلی» را بر عهده دارد، از حال و هوای برنامه در حرم امام رضا(ع) سخن گفت. مجری «حسینیه معلی» درباره این برنامه که امسال برای اولین بار در حرم امام رضا(ع) ضبط شد و این شب ها از شبکه ۲ روی آنتن می رود به خبرنگار مهر اظهار کرد: از ویژگی های «حسینیه معلی» امسال این بود که خیمه این برنامه در حرم مطهر حضرت رضا(ع) برپا شد و این هم جواری با امام رضا(ع) روح تازه ای به برنامه بخشید. وی اضافه کرد، با توجه به وقایع جنگ تحمیلی سوم، شهادت رهبر عزیزمان و داغ کودکان میناب و همچنین حضور مردم در خیابان ها، فضای برنامه متناسب با این حماسه طراحی شد؛ حماسه ای که ریشه در نهضت سیدالشهدا(ع) دارد. این هم زمانی برای ما بسیار مغتنم و مهم بود. حضور خانواده های شهدای جنگ تحمیلی سوم خاصه شهدای میناب و ناو دنا، به حال و هوای برنامه کمک کرد و به نظر، ناخودآگاه رسالتی را بر دوش ما گذاشت که همان خواسته رهبر شهیدمان یعنی جهاد تبیین بود که در ایام محرم در «حسینیه معلی» به وقوع پیوست. شریعتی درباره ضبط برنامه در مشهد و حرم امام رضا(ع) یادآور شد: امسال به مشهد رفتم؛ سختی هایی داشت، اما خیلی جذاب بود. تولید محترم آستان قدس حضرت آیت ا... مروی و نیز خادمان و متولیان همکاری و همراهی بسیار صمیمانه ای داشتند. شب اول برنامه، روی آنتن گفتم که بعد از یک سال که این همه داغ دیده ایم گویی امام رضا(ع) آغوش خود را باز کرد و ما را پذیرفت. به هر حال او امام رئوف ماست و رزق امسال را از او داریم.

نگارستان

برگزاری نمایشگاه «احجام محزون» در نگارخانه رادین

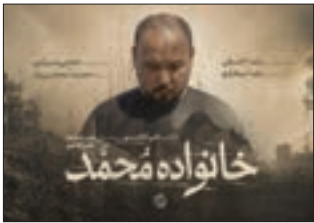


نمایشگاه نقاشی «احجام محزون» از آثار محمد صانعی جمعه، ۵ تیرماه، در نگارخانه رادین افتتاح شد.

این نمایشگاه تا ۱۰ تیرماه از ساعت ۱۸ تا ۲۱ میزبان علاقه مندان است.

چارسوق هنر

روایتی از «خانواده محمد» در زمان جنگ



مستند «خانواده محمد» به کارگردانی علی تقفی با روایت زندگی یک خانواده افغانستانی ساکن ایران، وارد مرحله پس تولید شد. این مستند روایت زندگی محمد، جوان سی ساله افغانستانی است که در کسب و کار کوچکش برای تأمین هزینه های زندگی و ازدواج برنامه ریزی کرده است، اما با آغاز جنگ

در اسفند ۱۴۰۴ شرایط زندگی آن ها دستخوش تغییر می شود. تعطیلی کسب و کار و بیکاری، خانواده را با مشکلات تازه ای روبه رو می کند و در نهایت بمباران دشمن در روز ۲۹ اسفند، زندگی محمد را برای همیشه تغییر می دهد.

«دوروز دیرتر» اکران برخط می شود



فیلم سینمایی «دو روز دیرتر» به کارگردانی اصغر نعیمی از سه شنبه، ۹ تیر ۱۴۰۵ ساعت ۱۸ به طور اختصاصی در فیلم نت اکران برخط می شود.

این فیلم ۹۱ دقیقه ای در ژانر کمدی-مولودرام در سال ۱۴۰۲ تولید شده است.

پخش «قاضی بیگی» به تعویق افتاد



پخش فصل سوم مجموعه تلویزیونی «آقای قاضی» با عنوان جدید «قاضی بیگی» قرار بود از پنجم تیر، ساعت ۲۱، از شبکه ۲ سیما آغاز شود اما این شبکه جدول پخش خود را به آیین های وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت ا... خامنه ای اختصاص داد و پخش مجموعه «قاضی بیگی» را به زمانی دیگر موکول

کرد. در اطلاعیه روابط عمومی شبکه ۲ سیما آمده است: «با توجه به اهمیت تاریخی و فضای معنوی حاکم بر کشور در ایام وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت ا... خامنه ای، این شبکه همه توان رسانه ای خود را برای انعکاس باشکوه این مراسم حماسی به کار بسته است و بر همین اساس، پخش قسمت نخست فصل سوم مجموعه تلویزیونی «آقای قاضی» با عنوان «قاضی بیگی» با هدف همراهی با فضای ملی سوگواری تغییر یافت. این مجموعه در فصل جدید با رویکردی متفاوت، به طرح و بررسی مسائل حقوقی و قضایی در قالب داستان های نمایشی مبتنی بر واقعیت می پردازد.

ایستگاه هنر

مقتل خوانی در مشهد قدیم، میرانی که نیازمند مستند سازی است



یک پژوهشگر پیشکسوت تاریخ و رآوی تاریخ مشهد درباره ویژگی های مقتل خوانی وعزاداری در خراسان ومشهد اظهار کرد: در گذشته شیوه های مختلفی برای اجرای مقتل خوانی، نوحه خوانی و عزاداری وجود داشت. بخشی از مراسم در قالب دسته های عزاداری در کوچه ها و خیابان ها برگزار می شد و بخشی دیگر در مساجد، حسینیه ها و تکیه ها شکل می گرفت. در برخی مجالس، عزاداران به صورت حلقه وار گرد هم می ایستادند و نوحه خوانان اشعار و مقتل ها را برای آنان می خواندند. محمود ناظران پور در گفت وگو با ایستنا افزود: نوحه خوانان معمولاً افرادی بسیار باتجربه، خوش صدا و شناخته شده بودند. آنان دفترچه هایی همراه داشتند که در مشهد به آن «دستک» گفته می شد. این دفترچه ها در اندازه ای کوچک تهیه می شد و متن نوحه ها و اشعار در آن ها نوشته می شد. نوحه خوانان این دفترچه ها را در جیب یا زیر بغل خود حمل می کردند و از احترام و جایگاه اجتماعی ویژه ای برخوردار بودند. به گونه ای که در بسیاری از موارد برای نوحه خوانی به آنان دستمزد نیز پرداخت می شد.